

گالری گردی

کافه گالری راوی هنر برگزار می‌کند

مروری بر آثار احمد میرزا در دقیقه ۹۰

● کافه گالری راوی هنر از ۲۲ اسفند ۹۹ به مدت یک هفته میزبان منتخبی از آثار احمد میرزا (میرزا‌زاده) هنرمند عرصه نقاشی و نقاشی‌خط می‌شود تا به‌این‌ترتیب با برپایی یکی از آخرین نمایشگاه‌های قرن چهاردهم خورشیدی به پیشواز سال و قرن جدید برود. احمد میرزا درباره فضای آثار این نمایشگاه و تفاوت آن با نمایشگاه‌های قبلی‌اش گفت: «این هفتمین نمایشگاه انفرادی من است. سه نمایشگاه انفرادی خارج از کشور داشته‌ام و چهار نمایشگاه هم در داخل. این نمایشگاه شامل تعدادی خط‌فرش، خط‌آینه و کارهای اسپیرال یا چرخشی است که خط‌ها در آنها دفرمه شده و مفهوم دگرگونی و استحاله را به مخاطب می‌رساند. به لحاظ ابعاد بیشتر آثار بزرگ و تعدادی هم کارهای کوچک است».

این هنرمند در توضیح سبک ابداعی خود با عنوان خط‌فرش افزود: «خط‌فرش اصطلاحی است که برای اولین بار در نمایشگاه سال گذشته‌ام در گالری شکوه به کار رفت. این اصطلاح بعد از گفت‌وگویی طولانی که با مدیر هنری‌ام داشتم، به ذهنم خطور کرد. در تکنیک خط‌فرش، تکه‌های فرش‌های قدیمی و دست‌بافت که سال‌های سال زیر پای ما ایرانی‌ها بوده، تبدیل می‌شوند به حروف خوش‌نویسی. انکار می‌خواهند حرفی بزنند از دل تاریخ و از گذشته‌ها. برای این مجموعه تعدادی فرش مندرس و صدمه‌دیده که قابلیت ترمیم و مرمت نداشتند، خریدم. زمانی که می‌خواستیم این فرش‌ها را بریده و قطعه‌قطعه کنیم تا از دل آن حروف را درآوریم، این کار خیلی سخت بود؛ چون خودم تعلق خاطری به این دست‌بافت‌های زیبا و روایی دارم. این فرش‌ها باید تکه‌پاره شده و تبدیل به حروف شود تا روی بوم حرف تازه‌ای بزنند». احمد میرزا درباره وضعیت این روزهای نقاشی خط در ایران نیز تصریح کرد: «این روزها بازار دچار یک ابتدال و تکرار شده و آن را به صنایع دستی بی‌کیفیت تبدیل کرده که حتی در سطح برخی گالری‌های معروف



با حراجی‌ها دیده می‌شود. اگرچه اکثر گالری‌ها از برگزاری نمایشگاه نقاشی‌خط دوری می‌کنند. به نظرم دلیل آن را تقلیدی‌بودن با ضعف آثار می‌توان ذکر کرد. مثلا ترکیب‌بندی یا هارمونی‌های اشتباه و از طرفی متخصصان این عرصه برای تشخیص آثار فاخر و آوانگارد که بسپار کم هستند. همین باعث شده کشف یک هنرمند نوظهور در عرصه هنر به تعویق بیفتد. ضعف ساختاری آثار هنری گاهی در پیش‌کسوت‌ها نیز دیده می‌شود. فضای مجازی و دیجیتال به رشد گوناگون نقاشی‌خط کمک کرده و از طرفی برخی از خوش‌نویسان بدون آموزش مبانی نقاشی و طراحی به غرض رنگ و قلم‌مو با نهاده و نمی‌توانند آثار استاندارد خلق کنند. پس ناچار به تقلید روی آورده با شلنگ‌تخته می‌اندازند. ای کاش اول مشق نقاشی می‌کردند، بعد از آن به خلق آثار و ارائه آنها می‌پرداختند؛ زیرا در آینده این آثار مبتذل باعث خجالت خودشان خواهد بود. آنها که هنوز در فضای سنتی قرار دارند، برای فروش یا دیده‌شدن دست به رنگ و بوم می‌زنند و از بد حادثه سعی در ساختار شکنی و مدرنیزه‌کردن خوش‌نویسی دارند. عده‌ای هم فونت‌های ناموزونی درست کرده و به اسم خط غالب می‌کنند که مردمان فراوانی دارد. این افراد سعی در یادگیری نداشته و شب‌آزده می‌خواهند وارد بازار شوند. انکار از نقشه برای فروش یا دیده‌شدن دراز معاصر یا پسامدرن هستیم و خلق مدرن بدون تفکر، محلی از اعراب ندارد؛ مگر در کامل‌کردن پازلی تفکرات محض سنتی یا مدرن‌زده توحانی هستیم. این تضادهای شدید برای هنرمند ایرانی قابل هشتم نیست؛ مگر به تفکر و بینش عمیقی دست پیدا کند و جایگاه خود را در هستی و تاریخ پیدا کند. مسئله بعدی نظارت دستنگاهی قوی براساس حضور منتقدان بی‌غرض است؛ یعنی افرادی که بتوانند بدون هیچ مناسباتی نقاشان و نقاشان با شیادان را توبیخ کرده و اجازه ترویج ابتدال را به هیچ احداناسی ندهند». احمد میرزا که پیش از این نمایشگاه‌های انفرادی در گالری فرهنگسرای بانو (۱۳۸۳)، گالری ماه (۱۳۹۱)، گالری شکوه (۱۳۹۸) و همچنین در گالری اوال اسپانیا (۱۳۴۲)، موزه هنرهای مدرن مالاگا (۱۳۸۸) و گالری امیکو اسپانیا (۱۳۹۲) برپا کرده، پیش‌بینی می‌کند در نمایشگاه جدیدش با توجه به مقدمات کار حدود ۲۰ اثر را که همگی مربوط به دو سال گذشته هستند، روی دیوار بربرد.

ایجاد این آثار هم در قطع‌های متفاوتی است.

اقتضایه این نمایشگاه جمعه ۲۲ اسفند ۹۹ بود و

نمایشگاه در روزهای بعد از کنشایش از ۱۱ تا ۸ شب

به مدت یک هفته میزبان علاقه‌مندان است. کافه

گالری راوی هنر در اقدسیه، خیابان موحد دانش،

خیابان فیروزبخش، خیابان باستان بعد از تقاطع اول

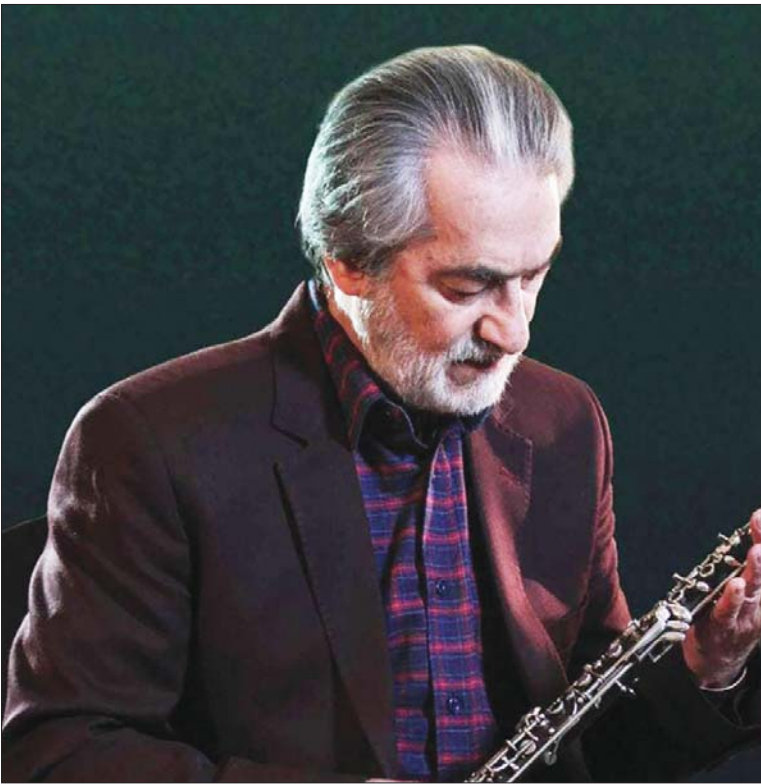
پلاک ۹ واقع است و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات

بیشتر درباره این نمایشگاه می‌توانند با شماره تلفن

۲۴۴۵۸۸۱ تماس بگیرند.

مجید انتظامی؛ آهنگ‌سازی با کارنامه‌ای غبطه‌برانگیز

امید جوانبخت



اصیل ایرانی، «بابک بیات» و «ناصرچشم‌آذر» و «فریزرز لاجینی» با تجربه‌هایی قابل‌اعتنا در موسیقی پاپ و«کامبیز روشن‌روان» و «محمدرضا علیقلی» نیز از آهنگ‌سازانی بودند که به ساخت موسیقی فیلم روی آوردند و هریک آثار برجسته‌ای در این زمینه خلق کردند.

تجربیات متفاوت و متنوع و موفق «انتظامی» در این عرصه هوای تازه‌ای در موسیقی فیلم بعد از انقلاب ایجاد کرد. او در دهه ۷۰ نیز با ساخت موسیقی برای بیش از ۳۰ فیلم یکی از پرکارترین‌ها به حساب می‌آید و جالب اینکه به مدد ذوق و استعداد ذاتی‌اش با همه پرکاری تقریباً کار ضعیف، تکراری یا نامتناسبی در آثارش دیده نمی‌شود.

در دهه ۸۰ «انتظامی» با ورود نسل جدید

«بوی پیران یوسف/ ۷۴» و «آژانس شیشه‌ای/ ۷۶» است که بخش عمده‌ای از حس‌وحال اثر، مدیون کار درخشان «انتظامی» است و بارها و بارها حتی جدای از فیلم‌ها پخش شده‌اند و در حافظه‌ها مانده‌اند.

همکاری مجدد او با «کیمیایی» در فیلم «اعتراض/ ۷۸» ۱۸ سال پس از «خط قرمز» به نتیجه‌ای تأثیرگذار منجر شد که خصوصا در تیتراژ به یادماندنی ابتدای فیلم (کلریزان در زندان) نقش مهمی دارد.

تنوع زمینه‌های دیگر آثار «انتظامی» را می‌توان در فیلم‌هایی چون«شب بیست‌ونهم/ رخشانی/ ۶۹» با فضایی ترسناک، «ناصرالدین‌شاه/ مخملباف/ ۷۰» با فضایی فانتزی، تاریخی، «روز واقعه/ اسدی/ ۷۲» و «مریم مقدس/ بحرانی/ ۷۹» با حال‌وهوایی تاریخی، مذهبی، «بازمانده/ داد/ ۷۴» با فضایی عربی و «عشق بدون مرز/ درخشنده/ ۷۷» در فضایی غربی و آمریکایی و انیمیشن «زال و سیمرغ/ ۵۶» (که بعدا در تیتراژ کارتون «بچه‌های مدرسه آلپ» استفاده شد) پی گرفت که این‌همه تنوع در ملودی‌ها، سازها و صداها و توفیق در القای فضای مورد نظر هریک از فیلم‌ها واقعا غبطه‌برانگیز و کم‌نظیر است.

«انتظامی» موسیقی چندین سریال را نیز ساخته است که از موفق‌ترین‌شان می‌توان به موسیقی حماسی «گرگ‌ها/ میرباقری/ ۶۶» و موسیقی نوستالژیک «کلاه پهلوی/ دری/ ۹۲» اشاره کرد. کیفیت آثارش سبب شده که در اغلب دوره‌های جشنواره فجر کاندیدای دریافت جایزه باشد و در هفت دوره (دوره‌های ششم «ترن»، هفتم «بابسیکل‌ران»، یازدهم «از خنجر»، یازدهم «از کرخه تا این»، سیزدهم «روز واقعه»، شانزدهم «آژانس شیشه‌ای»، بیست‌ویکم «دیوانه از قفس ۶۶»، گانسی «منکا/ داد/ ۶۶» و «دونل/ درویش/ پری‌کلام «آرام‌تر از دریا» و ساخت چند سمفونی بزرگ درباره جنگ (ایشار) از کارهای متاخر «انتظامی» است.

نام «مجید انتظامی» با کارنامه‌ای برتعداد، متنوع، مؤثر و به‌یادماندنی در دو دهه ۶۰ و ۷۰ قطعا نامی بلند و ماندگار در زمینه موسیقی فیلم سینمای ایران است.

ناظر ذهنی

علی فرامرزی

حس اولیه را تجربه کنم و فارغ از هر اندیشه دیگری، صرفا با فرشته الهام خلوت کرده باشم و با او اثرم را به پیش ببرم. باورم این است که کسی که چنین ادعایی دارد، به قدر کافی بر عملکرد ذهن یا مغزش واقف نیست و تحت تأثیر پایداه و نبایدهای ناظر ذهنی، به اتفاق‌های ذهنش که در تمام طول به‌انجام‌رساندن آن کار هنری در جریان بوده، خودآگاهی ندارد یا سانسور می‌کند؛ چراکه تصویرهای ذهنی در داخل ذهن ما در جریان هستند و ما با نسبت‌دادن صفات و ویژگی‌هایی به آنها، در حال گفت‌وگوی دائمی با یکدیگر هستیم.

خویش را صافی کن از اوصاف خویش/ تا ببینی ذات پاک صاف خویش (حافظ)

ناظر ذهنی ممکن است از معلم و استادی که باورش داریم یا هنرمندی که برایمان الگو است، گروه فکری‌ای که مایل هستیم اثرمان مورد پسند و قبولشان قرار گیرد، خریداری که در نظر داریم، الگوشدن یک کار از طریق حراجی‌ها، یک تصمیم هنری یا یک اجتماعی است؛ از آن یک تصویر ذهنی ساخته‌ایم و با تصویری که از خواسته‌های آنها به وسیله کلمات ذهنی‌مان از آنها می‌سازیم مدام و به‌طور دائمی در تمام مراحل ساخت اثر هنری با آن در حال گفت‌وگو، نظردادن و بررسی کارمان هستیم. ولی این همه موضوع نیست و جالب این است که هم‌زمان با هر تصویر ذهنی و گفت‌وگوی برخاسته از آن، احساسی هم در ما به وجود می‌آید. این احساس ناشی از حس‌های در ساخت تصویر بعدی دارد؛ چراکه مغز ما بلافاصله تصویر بعدی‌ای را می‌سازد که با آن احساس همسان بوده و دوباره کلمات ساخته می‌شوند و احساس‌های برخاسته از آنها و….

بگذارید مثالی بزنم؛ فرض کنیم من آثار هنرمندی را خیلی دوست دارم و در ذهنم آرزو دارم من هم بتوانم مثل او نقاش موفقی باشم و چنین آثاری بکشم. خودبه‌خود تصویری در ذهنم از او ساخته می‌شود یا از اثر خاصی از او، عکسی در مغزم شکل گرفته است و در مراحلی که من در حال نقاشی هستم یا به اثرم فکر می‌کنم، آن تصویر هم در ذهنم حضور دارد و مغز من با کلماتی ساخته خودش، ولی با این تصور که این کلمات قضاوت آن کاراکتر است، نسبت به کاری که من در حال انجام آن هستم، قضاوت و تفسیر می‌کند و اثرم را از رازبانی قرار می‌دهد و همراه این رازبانی، احساسی در خرسندی یا نارضایتی من ایجاد می‌شود و احساس‌ها، رنگ، فرم، ترکیب‌بندی و… بر اساس این پروسه به پیش می‌رود. میزان اثرگذاری ناظر ذهنی بر محصول هنری، بستگی به شدت و غلظت تصویر ناظر ذهنی و گفت‌وگوی برخاسته از آن دارد.

در هنر به نسبت سایر فعالیت‌های بشری، حضور ناظر ذهنی تأثیری مستقیم‌تر و تعیین‌کننده‌تر دارد؛ چراکه با احساسی که ایجاد می‌کند، سرنوشت محصول هنری را رقم می‌زند و همین خضیصه می‌تواند کمک مهمی در جهت شناخت خود به هنرمند باشد و او با توجه کافی به تصویرهای ذهنی‌اش، در حین کار، به درک عمیق‌تری از خود دست پیدا کند. نکته شایان ذکر دیگر این است که هنرمند قادر است حرکت معکوس انجام دهد؛ یعنی با تغییر عناصر بصری، ناظر ذهنی خود را تغییر داده و احساس متفاوتی در خود تولید کند؛ درست مثل زمانی که ما با تغییر مکان، احساساتمان هم تغییر می‌کند.

زیر درختان زیتون

در گذشت «هوشنگ میرزایی» بر اثر ابتلا به کرونا



● هوشنگ میرزایی، مستندساز که از یک ماه گذشته به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری بود، پنجشنبه ۲۱ اسفند از دنیا رفت. محسن سخا از فیلم‌سازان و همکارانش در گفت‌وگویی کوتاه با «شرق» ضمن تأیید خبر درگذشت این فیلم‌ساز عنوان کرد: «او از یک ماه گذشته به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان فرهیختگان بستری و ریه‌اش تمام درگیر بود که متأسفانه به دلیل وخامت و پیشرفت بیماری ۲۱ اسفند دارفانی را وداع گفت». مسعود سخا درباره مراسم تشییع و خاکسپاری مرحوم میرزایی گفت: «با توجه به تعطیلی روزهای پنجشنبه و جمعه، نمی‌شد برنامه‌ریزی دقیق برای خاکسپاری را اعلام کرد، اما به احتمال فراوان با هماهنگی‌هایی که با خانه سینما و وزارت ارشاد صورت می‌گیرد، روز یکشنبه ۲۴ اسفند پیکر زنده‌باد میرزایی در قطعه هنرمندان بهشت‌زرها بر خاک سپرده می‌شود». زنده‌باد هوشنگ میرزایی متولد سال ۱۳۵۰ در کوهدشت و دارای مدرک کارشناسی کارگردانی از دانشکده صداوسیما بود. ساخت آثاری همچون «سازنه»، «با خدا می‌قصم»، «تفتان»، «ژین»، «چیزی شبیه چشم‌هایم»، «فاصله»، «سپیداره»، «مرئی‌های برای خاک»، «آلفارد»، «عبدانه»، «شهر خاموش»، «آنا‌رام»، «به دیدار خورشید»، «سنگ و سلاح»، «سیب و رویا»، «هیچ راهی دور نیست»، «در آندوه بم» از جمله فعالیت‌های میرزایی در عرصه فیلم‌سازی بود. عضویت در هیئت انتخاب پنجاهوششمین جشنواره منطقه‌ای خلیج فارس انجمن سینمای جوانان ایران، عضو هیئت انتخاب بخش ملی و بین‌الملل پنجاهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در بخش مستند، عضو داوروی پنجاهوششمین جشنواره منطقه‌ای خلیج فارس انجمن سینمای جوانان ایران، عضو هیئت انتخاب بخش مستند سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، ادر بخش جنی سی‌دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران و داور هجدهمین جشن خانه سینما از جمله دیگر فعالیت‌هایش بود. هوشنگ میرزایی پس از ابتلا به کرونا در صفحه شخصی خود نوشته بود که به دلیل مشکلات مالی و پرداخت قسط وام مسکن به خاطر مبلغ اندکی -پنج میلیون تومان- ناچار شده چند کارگاه فیلم‌سازی در شهرهای مختلف برگزار کند و به همین دلیل به کرونا مبتلا شده است. همچنین حسن نقاشی، فیلم‌ساز و یکی از دوستان نزدیک هوشنگ میرزایی، با ابراز تأسف بسیار از درگذشت این هنرمند عنوان کرد: «او با جانش معامله کرد تا بتواند اقساط یکی از بانک‌های دولتی را بپردازد». این مستندساز از وضعیت بی‌سروسامان بیمه هنرمندان ابراز نگرانی و تأکید کرد اگر قرار است وجدان‌مان بیدار شود، اکنون بهترین زمان است. او افزود: «جامعه هنری ایران به‌ویژه فعالان سینما و تئاتر، بیشتر در گزند بیماری هستند و شرایط دشواری مانند کرونا نشان می‌دهد وضعیت بیمه هنرمندان چقدر آسف‌سار است. دوران کرونا یکی از بدترین مقاطع برای مشاغل هنری است و بسیاری از هنرمندان ناچارند برای گذران زندگی کار کنند. شاید اگر کرونایی نبود، اهمیت و ضرورت بیمه بی‌کاری هنرمندان را درک نمی‌کردیم». روزنامه «شرق» این ضایعه را به خانواده محترم میرزایی و جامعه سینمایی تسلیت می‌گوید.

کتاب آشپزی نایاب «اندی وارمول» در حراجی

● یک نسخه نایاب از کتاب آشپزی «اندی وارمول» هنرمند مشهور آمریکایی در حراجی «بونهامس» به حراج گذاشته می‌شود. به گزارش آرت‌نیوز، یکی از ۳۴ نسخه رنگی از کتاب آشپزی «اندی وارمول» و با عنوان «تمشک‌های وحشی» در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسیده بود، در حراجی ماه مارس «بونهامس» به فروش گذاشته می‌شود. انتظار می‌رود این کتاب که به دست «وارمول» امضا شده است، در حراجی به مبلغ ۳۰ هزار تا ۵۰ هزار دلار فروخته شود. «وارمول» پیش از آنکه به‌واسطه نقاشی‌های قوطی‌های سوپ و بطری‌های کوکا کولا در سال ۱۹۶۲ به شهرت برسد، این کتاب را در سال ۱۹۵۹ با همکاری «سوزی فرانکفورت» طراح داخلی آماده کرده بود. این کتاب که نامش برگرفته از فیلم «توت‌فرنگی‌های وحشی» ساخته «اینکمار برگمان» است، به نحوی با کتاب‌های آشپزی دهه ۵۰ که با هدف آموزش دستور پخت غذاهای فاخر فرانسوی چاپ می‌شدند، شوخی می‌کند. «املت گرتا کاربو» که همیشه باید به‌تهنایی و در اتاقی که با نور شمع روشن شده باشد، خورده شود، یکی از غذاهایی است که در این کتاب آموزش داده شده است. «فرانکفورت» در سال ۱۹۹۷ به صاحب‌خانه‌ای درباره این کتاب گفته بود: «فکر می‌کردیم این کتاب به یک شاهکار تبدیل می‌شود و ما هزاران نسخه از آن را خواهیم فروخت؛ اما فکر می‌کنم در نهایت ۲۰ نسخه از آن را فروختیم». «وارمول» و «فرانکفورت» در نهایت اغلب نسخه‌های این کتاب را به‌عنوان هدیه به دوستان‌شان دادند.